



## A Comparative Study of the Civil Responsibility of Minors and Mental Patients; In Search of a Theory

Ali Reza Abin<sup>1</sup>, Zeynab Haghtalab<sup>2\*</sup>

1. Department of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran.

2. Department Private Law, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Looking at it from a different angle, talking about the civil responsibility of minors and mentally ill people is actually a philosophical exploration regarding the quality of the influence of young age and the weakness or lack of the psychological element of perception in civil liability rights.

**Method:** This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

**Results:** In this kind of research, we are basically faced with two attitudes and intellectual bases: on the one hand, there are objectivist systems that do not involve young age or the lack of a clean psychological element in the rights of civil liability, but the analysis approach They have based themselves on purely objective relationships. On the other hand, there are subjective systems (individualistic in a special sense) that look for the influence of complex psychological and mental elements on the rights of civil responsibility and the relations of the litigants.

**Conclusion:** This tendency tries to take a step by involving the age and psychological elements in the minimum or maximum adjustment of the civil responsibility of minors and minors. Despite this, it seems that a more logical solution is to adopt middle and mixed approach, a criterion that puts objectivity next to personalism and draws a favorable balance point between the rights of the parties to the dispute. But without a doubt, it is difficult to adopt a final and decisive solution in this kind of philosophical-legal studies, because the face of moral considerations and fairness in such studies has been prominent, the decisive boundaries of law and ethics have become fainter and in the same way The amount of achieving real justice becomes more difficult.

**Keywords:** Civil Responsibility; Minors and Mental Patients; Subjectivism (Personalism); Objectivism (Specificism); Pluralism; Mixed Criteria

**Corresponding Author:** Zeynab Haghtalab; **Email:** zynabhaghtalb@gmail.com

**Received:** April 14, 2023; **Accepted:** July 08, 2023; **Published Online:** October 09, 2023

### Please cite this article as:

Abin AR, Haghtalab Z. A Comparative Study of the Civil Responsibility of Minors and Mental Patients; In Search of a Theory. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e26.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



### مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی؛ در جستجوی یک نظریه

علیرضا آبین<sup>۱</sup>، زینب حق طلب<sup>۲\*</sup>

۱. گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** با نگاه از زاویه‌ای متفاوت، سخن از مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی، به واقع کاوشی است فلسفی در خصوص کیفیت تأثیر صغر سن و ضعف یا فقدان عنصر روانی ادراک در حقوق مسئولیت مدنی. در چنین پژوهشی اصولاً با دو نگرش و مبنای فکری مواجهیم.

**روش:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

**یافته‌ها:** در یکسو نظام‌های عینی‌گرا (نوعی‌گرا) قرار دارند که اصولاً صغر سن یا فقدان عنصر روانی تمیز را در حقوق مسئولیت مدنی دخالت نمی‌دهند، بلکه رویکرد تحلیل‌های خود را بر روابط عینی محض استوار کرده‌اند. در مقابل، اما نظام‌های ذهنی‌گرا (شخصی‌گرا به معنای خاص) واقع شده‌اند که به دنبال تأثیر عناصر پیچیده روانی و ذهنی بر حقوق مسئولیت مدنی و روابط طرفین دعوا هستند. این گرایش می‌کوشد با دخالت‌دادن عناصر سنی و روانی در تعدیل حداقلی یا حداکثری مسئولیت مدنی صغر و مجانین گام بردارد.

**نتیجه‌گیری:** با وجود این، به نظر می‌رسد راه حل منطقی‌تر در اتخاذ راهکاری میانه و مختلط است، معیاری که عینی‌گرایی را در کنار شخصی‌گرایی بنشانند و نقطه توازنی مطلوب میان حقوق طرفین دعوا ترسیم نماید، اما بی‌گمان اتخاذ راهکار نهایی و قاطع در این دست مطالعات فلسفی - حقوقی دشوار است، چه چهره ملاحظات اخلاقی و ناظر به انصاف در این‌گونه مطالعات پررنگ بوده، مرزهای قاطع حقوق و اخلاق کمرنگ‌تر شده و به همان میزان دستیابی به عدالت واقعی دشوارتر می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی؛ صغار و بیماران روانی؛ ذهنی‌گرایی (شخصی‌گرایی)؛ عینی‌گرایی (نوعی‌گرایی)؛ کثرت‌گرایی؛ معیار مختلط

نویسنده مسئول: زینب حق طلب؛ پست الکترونیک: [zynabhaghtalb@gmail.com](mailto:zynabhaghtalb@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abin AR, Haghtalab Z. A Comparative Study of the Civil Responsibility of Minors and Mental Patients; In Search of a Theory. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e26.

## مقدمه

حقوق مسئولیت مدنی یکی از پیچیده‌ترین شاخه‌های حقوق مدنی است. آمیختگی این شاخه از حقوق با مصالح و سیاست‌های گوناگون و نیز تأثیر روزافزون تحولات سایر علوم، این رشته را به پویاترین بخش حقوق مدنی بدل ساخته است و گرایش آن به رشته‌ای مستقل را منطقی و ضروری می‌نماید. سخن پیرامون حمایت از محجورین، از دیرباز مورد توجه نظام‌های حقوقی بوده است. در مورد صغار و مجانین، یکی از بحث‌انگیزترین مباحث، مربوط به مسئولیت مدنی آن‌هاست. در واقع این بحث پیوندی وثیق با بحث کلان‌تری نیز دارد و آن، کیفیت تأثیر اوصاف شخصی نظیر صغر سن و اختلال روانی در سه حوزه مبانی، ارکان و آثار مسئولیت مدنی است؟ در بحث از مسئولیت مدنی صغار و مجانین شاهد نزدیک شدن و درهم‌ریختگی مرزهای اخلاق و حقوق هستیم؛ در قبال این مسأله - و به ویژه مسئولیت مدنی صغار و مجانین - ، حقوق بر سر یک دو راهی قرار دارد: در یکسو، مسائل عاطفی، اخلاقی، انصاف و عدالت ماهوی قرار دارند که خواهان تعدیل (مطلق یا نسبی) در مسئولیت مدنی این افراد می‌باشند و در سوی مقابل، هدف غایی جبران زیان در حقوق مسئولیت مدنی و نیز دغدغه ایجاد شرایط مطلوب اجتماعی در سایه عدالت صوری و اصلاحی قرار دارد که بر حمایت از زیان‌دیده تکیه داشته و کاوش‌های پیچیده شخصی، ذهنی و روانی را با تأملی جدی مواجه می‌سازد!

این بحران، به ویژه در خصوص صغار و مجانین بی‌سرپرست یا بدسرپرست - که عموماً محصول فقر، نبود سرپرست مناسب، اعتیاد والدین و... هستند - ، به اوج خود رسیده و آموزه‌های حقوقی نمی‌تواند نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشد. پرسش اصلی که در پی پاسخ به آن هستیم، این است که اگر صغیر یا مجنون سبب ایراد زبانی ناروا شود، آیا ملزم به جبران خسارت است یا خیر؟ در پاسخ به پرسش مزبور، به ویژه شاهد سه رویکرد طرفدار معیار نوعی، طرفدار معیار شخصی و طرفدار معیار مختلط هستیم. طرفداران استفاده از معیارهای نوعی اصولاً معتقد به مسئولیت مدنی کامل و فوری محجورین

هستند، پیروان معیار شخصی نیز اصولاً طرفدار انتفای کامل یا تعدیل جزئی مسئولیت مدنی صغار و مجانین می‌باشند.

## روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

## یافته‌ها

در مقاله حاضر قصد بر این است که ما در دو قسمت نخست از این نوشتار به تفکرات عینی‌گرا و شخصی‌گرا می‌پردازیم و در پایان نیز، به بیان معیار برگزیده‌مان، یعنی معیار مختلط (یا نوعی نسبی) خواهیم پرداخت و راهکارهایی برای منطقی و معقول‌تر شدن قواعد حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی صغار و مجانین ارائه خواهیم داد. در ادامه، ابتدا به تبیین اندیشه نوعی‌گرایی حقوقی پرداخته و سپس نظام‌های حقوقی طرفدار این اندیشه را معرفی خواهیم کرد.

## بحث

۱. نظریه‌های نوعی‌گرا در مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی: پرسش اصلی در حوزه مطالعات عینی‌گرایانه حقوقی این است که قانون و به طور کلی آموزه‌های حقوقی تا چه اندازه می‌توانند وضعیت شخصی افراد را در ثبوت و اجرای حق و یا تحمیل الزامات حقوقی لحاظ کنند؟ در پاسخ، جریان نوعی‌گرایی روی این نکته اساسی تأکید دارد که علم حقوق باید خود را از اختصاصات شخصی و عناصر درون‌ذاتی اشخاص جدا ساخته و استانداردهای نوعی و مادی را معیار سنجش رفتارهای حقوقی قرار دهد. در این تفکر، «قانون باید از زاویه‌ای نوعی‌تر از آنچه از سوی فردی خاص و در پرونده‌های خاص یافت می‌شود، به جهان بنگرد و بر اساس همان زاویه نوعی، تعهدات قانونی را وضع کند» (۱).

۲. نظام‌های حقوقی طرفدار معیار نوعی در مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی: تفکر بیشتر فقیهان امامیه و عامه (اعم از حنفیه، مالکیه، حنابله، شافعیه و حتی ظاهریه) تفکری به غایت «نوعی‌گرا» است، زیرا معیار مسئولیت را از حالت شخصی خارج کرده و به صورت نوعی، موضوعی، عینی و مادی درآورده‌اند. مشهور فقیهان اصولاً مبنای مسئولیت را مبتنی بر نظریه قابلیت استناد مادی یا عرفی زیان به رفتار زیان‌زننده می‌دانند؛ مبنایی که ریشه در تعهدی به نتیجه دارد، یعنی تعهد به عدم اضرار ناروا به سایرین و حفظ احترام اموال و حقوق مالی‌شان. به بیانی فنی‌تر، دیدگاه مشهور، ریشه در تفکری نتیجه‌گرا، ترمیم‌گرا و اصلاح‌گرا (عدالت اصلاحی) داشته و تمایل وافر به اندیشه اعاده‌گرایی دارد، یعنی درصدی است تا جایی که امکان دارد، با حکم به جبران زیان، زیان‌دیده را به صورت حداکثری به وضعیت پیش از ورود زیان بازگرداند. در نگاه مشهور فقیهان، صغار و مجانین اهلیت ضامن شدن را دارا می‌باشند. مقصود از اهلیت در اینجا، اهلیت وجوب یا تمتع (= صلاحیت دارا شدن حق و تکلیف) است که منوط به وصف و وضعیت انسان بودن می‌باشد، بی‌آنکه عقل و تمیز در آن شرط باشد، چه هدف از مسئولیت مدنی، پرداخت غرامت امور تلف شده و احیای حق زیان‌دیده و جبران ضرر است نه عقوبت فاعل زیان و این امر متوقف بر قصد و تمیز نیست، البته اگر محجور از نظر مالی توانمند نباشد، زیان‌زننده باید صبر کند تا وی توان مالی یافته و زیان را جبران کند. با وجود این، برخی از فقهای عامه (نظیر ابن تیمیه) دیدگاه مشهور را تعدیل کرده و معتقدند که اگر محجور متمول باشد خود، ملزم به جبران است، اما چنانچه مالی نداشته باشد، سرپرست او موظف به جبران تبرعی (مجانی) زیان است و زیان‌دیده به او رجوع می‌کند (۲).

۱-۲. در حقوق ایران: بنیادی‌ترین و صریح‌ترین ماده ناظر به مسئولیت قهری محجورین، ماده ۱۲۱۶ ق.م. است که مقرر داشته: «هرگاه صغیر، مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود، ضامن است.» این ماده به صراحت حکم به مسئولیت مدنی صغیر یا مجنون داده است و از این حیث با سابقه فقهی خود

کاملاً همخوان می‌باشد. این دیدگاه به ویژه بر اساس رویکرد حقوقدانانی که مبنای مسئولیت را «نفی اضرار ناروا» یا صرف احراز «استناد عرفی زیان به زیان‌زننده» دانسته‌اند قابل توجیه است، چراکه ایراد خسارت، واقعه‌ای مادی محض است و عرف زیان وارده را مستند به زیان‌زننده صغیر یا مجنون می‌داند. همچنین اگر مبنای مسئولیت، نظریه «تقصیر» باشد و یا لااقل ارتکاب تقصیر را رکن یا شرط ضمان ناشی از تسبیب بدانیم، باز هم حکم به مسئولیت مدنی صغار یا مجانین می‌شود، زیرا مشهور حقوقدانان و قضات ایرانی بر پایه جمع مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ق.م. معتقدند که تقصیر مفهومی نوعی و اجتماعی دارد و تجاوز از رفتار متعارف یا هنجارهای اجتماعی، معیار سنجش عملکرد مقصرانه است و در نتیجه، مسئول جبران زیان است (۳).

۲-۲. در حقوق برخی کشورهای غربی: بر پایه دیدگاه حقوقدانان و رویه قضایی فرانسه، معیار تقصیر در صغار و بیماران روانی، نوعی بوده و این گروه از مسئولیت مدنی معاف نیستند. این مسأله در قانون ۲-۴۸۹ نیز تصریح شده است که اختلال روانی مانع مسئولیت مدنی مجنون نیست (این ماده بعدها - بدون تغییر در محتوا - به ماده ۳-۴۱۴ مصوب ۵ مارس ۲۰۰۷ تبدیل شد). بنابراین در حقوق کنونی فرانسه، صغر سن یا فقدان یا ضعف تمیز به دلیل بیماری روانی دفاع محسوب نمی‌شود. از این رو در حقوق کنونی فرانسه، شاهد سخت‌گیری بیشتری نسبت به غالب نظام‌ها و اسناد اروپایی، از جمله «طرح چارچوب مشترک مرجع» (DCFR) و «اصول حقوق مسئولیت مدنی اروپایی» (PETL) هستیم (۴). در برخی کشورهای شمال اروپا، از جمله در نظام حقوقی دانمارک، به طور کلی اصل بر این است که افراد از یک سالگی تا زیر ۱۸ سال (که سن اهلیت حقوقی کامل است)، از مسئولیت مدنی معاف نیستند. با وجود این، گاه مشاهده می‌شود که در بررسی رفتار صغار، معیار تقصیر با توجه به شرایط سنی آن‌ها تعیین و تعدیل می‌گردد، لیکن دادگاه‌ها در بسیاری موارد در دعاوی مسئولیت مدنی حتی علیه بچه‌های غیر ممیز، مثلاً صغار ۴ یا ۵ ساله، حکم به پرداخت خسارت

مسئولیت مدنی دانسته و کوشیده‌اند این مسأله را به قوه قاهره (فورس‌ماژور) بازگردانند؛ دیدگاهی که در حقوق کانادا نیز پذیرفته شده است (۶).

۲-۳. در کشورهای عربی - اسلامی: حقوقدانان عراقی از جمع مواد ۱۸۶، ۱۹۱ و ۲۰۲ ق.م. عراق، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که شخص محجور هرگاه به طور مستقیم ایراد زیان کند، ملزم به جبران است و هرگاه به طور غیر مستقیم ایراد زیان کند، شرط احراز رابطه سببیت، ارتکاب تقصیر است و معیار تقصیر، معیاری نوعی است و رفتار محجور با شخصی متعارف و معقول در شرایط حادثه سنجیده می‌گردد (بند اول ماده ۱۹۱ ق.م. عراق) (۷). در نظام حقوقی اردن نیز شاهد حکمی تقریباً مشابه حقوق عراق هستیم؛ قانونگذار اردنی به تبعیت از فقه اسلامی، مبنای مسئولیت را مبتنی بر نفعی ضرر و احراز رابطه سببیت دانسته است، نه مبتنی بر نظریه تقصیر به مفهوم غربی آن، در همین راستا نیز در ماده ۲۵۶ ق.م. اردن، طی قاعده‌ای کلی حکم به مسئولیت محجورین، حتی محجورین غیر ممیز داده است. با وجود این، قانونگذار اردنی، در ماده ۲۸۸ ق.م. در راستای تعدیل آن گام برداشته و به دادگاه این اجازه را داده که اگر پرداخت خسارت از ناحیه محجور (به دلایلی چون فقر، اعسار و...) ممکن نبود، بتواند این خسارت را از سرپرست وی دریافت دارد، منتهی سرپرست پس از پرداخت خسارت، می‌تواند به محجور مراجعه کند. در میان نظام‌های حقوقی کشورهای عربی - اسلامی، به ویژه حقوق کویت، رویکردی کاملاً نوعی‌گرا در مسئولیت مدنی محجورین (ممیز یا غیر ممیز) اتخاذ نموده و حکم به مسئولیت کامل محجورین اعم از ممیز و غیر ممیز دهد، بی‌آنکه به دادگاه اجازه تعدیل مسئولیت وی به استناد نظریه عدالت و انصاف را داده باشد (بند دوم ماده ۲۷۷ ق.م. کویت) (۸).

۳. نظریه‌های شخصی‌گرا در مسئولیت مدنی بیماران روانی: در نظریه «شخصی‌گرایی حقوقی»، تمرکز بر استفاده از معیارهای شخصی در تحلیل‌های حقوقی است، یعنی زاویه دید یک حقوقدان یا دادرس به مسأله، بر اساس «خصوصیات شخصی، ذهنی و روانی اصحاب دعا» و نیز «خصوصیات

می‌کنند. از این لحاظ (و با توجه به این عملکرد دادگاه‌ها)، قرارداد بیمه اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا طبق قانون ناظر به بیمه‌های خسارت، برای تشویق اشخاص به تهیه پوشش بیمه مسئولیت، حتی خسارات عمدی وارده توسط افراد زیر ۱۸ سال، تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرد و بیمه آن‌ها را می‌پردازد. در نظام حقوقی هلند، نقص روانی مانع تغییر این واقعیت که عمل انجام‌شده غیر قانونی بوده نمی‌گردد. بنابراین اختلال ذهنی در اصل تحقق مسئولیت مدنی مؤثر نیست. با وجود این، (برای حمایت از ناتوان ذهنی)، میزان خسارت می‌تواند به دلایل منصفانه و عادلانه‌ای کاهش یابد. در حقوق هلند، از مفهوم نارسایی (یا نقص) روانی، تفسیری موسع ارائه شده است. این مفهوم موسع، هر آنچه را که نارسایی روانی ایجاد کند، دربر می‌گیرد، یعنی نه تنها بیماری و مستی را شامل می‌شود، بلکه خواب‌گردی و خودزنی که همگی، انسان را در موقعیت ناهوشیاری و نقص ذهنی قرار می‌دهند، دربر می‌گیرد. در حقوق برخی کشورهای شمال اروپا نظیر سوئد، دانمارک و فنلاند اصولاً وجود اهلیت، لازمه تحقق مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر نیست و اصولاً امور روان‌شناختی و عناصر درون‌ذاتی فاعل زیان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و معیار نوعی پذیرفته شده است؛ با وجود این، مشاهده می‌شود که در برخی پرونده‌ها و گرایش‌ها در برخی کشورهای شمال اروپا، اختلال روانی ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی که منجر به از دست‌دادن کنترل می‌گردد، نوعی دفاع تلقی شده و سبب معافیت از مسئولیت می‌گردد (۵). در کشورهای تابع نظام کامن‌لا و به ویژه حقوق انگلیس، در مورد بیماران و مجانین، سختگیری بیشتری را شاهدیم و اصل بر نوعی بودن معیار مسئولیت آن‌هاست، لیکن این تمام ماجرا نیست، زیرا در حقوق انگلیس، ترسیم رویکرد غالب محاکم در خصوص بیماران مبتلا به اختلال روانی دشوار است و رویه محاکم در این زمینه چندان روشن نیست. در برخی آرای قضایی، معیار نوعی پذیرفته شده و در برخی دیگر، معیار شخصی مسئولیت پذیرفته شده است. از این رو برخی محاکم مشروط به تحقق شرایطی، از جمله ناگهانی بودن، غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل کنترل بودن اختلال روانی، آن را نوعی دفاع و سبب معافیت از

از میان فقیهان امامیه - برای حمایت از زیان‌دیده، ضمن حکم به انتفای ضمان محجور، اما با گرایش به مسئولیت جمعی، بار مسئولیت را بر عهده شخص ثالث (نظیر عاقله) قرار می‌دهند، هرچند که شخص ثالث مرتکب هیچ‌گونه تقصیری نشده باشد (۱۱).

**۲-۳. در نظام حقوقی ایران:** حقوقدانان ایرانی طرفدار تعدیل در مسئولیت مدنی محجورین می‌کوشند برای اثبات مدعیانشان ملاحظاتی ناظر به اخلاق، انصاف و عدالت عرضه دارند. در این تفکر، اوصاف شخصی، از جمله صغر سن و به ویژه وضعیت روانی فرد، از نظر اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس، عده‌ای معتقدند که محجور غیر ممیز به جهت فقدان قوه تعقل، بسان حیوانات یا در حکم قوه قاهره است (۱۲). از این رو وجدان عمومی چندان پذیرای مسئول یا خطاکار قلمداد نمودن او نیست. در همین راستا، برخی از نویسندگان معتقدند که مقررکردن مسئولیت محض و حتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر نوعی در خصوص صغار و مجانین غیر ممیز، نه تنها برخلاف اصل بنیادین «برابری مدنی» است، بلکه تحمیل تعهدی فراتر از توان چنین اشخاصی است. یکی از راهکارهای اتخاذشده در حقوق ایران در جهت تعدیل مسئولیت مدنی صغار و مجانین (ممیز یا غیر ممیز) و در عین حال حمایت حداکثری از زیان‌دیده، روش توزیع زیان از طریق به کارگیری بیمه‌های خصوصی است. بر این اساس، عده‌ای پیشنهاد داده‌اند که از بیمه‌هایی نظیر بیمه مسئولیت سرپرست خانوار یا بیمه نگهدارنده کودک یا مجنون استفاده شود (۱۳).

**۳-۳. در برخی نظام‌های حقوقی اروپایی:** در حقوق آلمان، معیار ارتکاب تقصیر در مورد صغار غیر ممیز، معیاری شخصی است. از این رو طبق ماده ۸۲۸ قانون مدنی آلمان، کودکان زیر ۷ سال مسئولیت مدنی ندارند. وانگهی، تا این سن، رفتار آنها نمی‌تواند دستاویزی برای دعوای تقصیر مشارکتی علیه ایشان باشد. مشابه این رویکرد در حقوق اتریش و نیز ماده ۱-۱۳۵۱ طرح اصلاحی کاتالا مشاهده می‌شود. وانگهی، در نظام حقوقی آلمان، کودکان تا سن ۱۰ سالگی از مسئولیت ناشی از

خاص پرونده مطرح‌شده» شکل می‌گیرد (۹). به بیانی دیگر، از دریچه نگاه شخصی و درون‌ذاتی طرفین دعوا به تحلیل محتوای پرونده پرداخته شده و کوشش می‌شود با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص هر شخص، نسبت به او تصمیمی عادلانه و منصفانه اتخاذ گردد. طرفداران استفاده از معیارهای شخصی معتقدند که اصولاً صغر سن، ضعف یا فقدان عنصر روانی «ادراک و تمیز» در سه حوزه مبانی، ارکان و آثار مسئولیت مدنی تأثیرگذار می‌باشد؛ به همین جهت نیز در صورت ایراد زیان ناروا توسط صغار و مجانین باید در الزام ایشان به جبران زیان تردید نمود، البته میان گرایش‌های شخصی‌گرا در خصوص کیفیت و میزان اثرگذاری صغر سن و عنصر روانی «ادراک و تمیز» در مسئولیت مدنی صغار و مجانین، از حیث شدت و ضعف تفاوت است، لیکن وجه مشترک همه این گرایش‌های متنوع این است که با تأثیر دادن عناصر شخصی و درون‌ذاتی، خواهان تعدیل (مطلق یا نسبی) در مسئولیت مدنی این افرادند (۱۰).

**۱-۳. نظام‌های حقوقی طرفدار معیار شخصی در مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی:** فقیهان طرفدار استفاده از معیار شخصی در مورد صغار و مجانین، خود بر دو گروهند: عده‌ای سعی در تعدیل حداقلی مسئولیت مدنی صغار و مجانین (ممیز یا غیر ممیز) دارند؛ اینان معتقدند که صغیر پس از رسیدن به سن اهلیت کامل حقوقی و مجنون نیز پس از بهبودیافتن، ملزم به جبران زیان هستند. بنابراین این دیدگاه در صدد است تا هم از زیان‌دیده حمایت نمایند و هم جانب حمایت از زیان‌زننده را رها نکنند. در مقابل، برخی سعی در تعدیل حداکثری مسئولیت مدنی صغار و مجانین (ممیز یا غیر ممیز) داشته و حکم به انتفای کامل مسئولیت ایشان می‌دهند. به نظر می‌رسد که به ویژه در گرایش حداکثری که حکم به انتفای کامل مسئولیت صغار و مجانین داده‌اند، تفکر شخصی‌گرایی، ذهنی‌گرایی و اراده‌گرایی پررنگ‌تر است؛ در رویکرد اخیر، شاهد دو تفکر هستیم: عده‌ای از فقهای امامیه، مالکیه و ظاهریه، خسارات وارده از ناحیه صغار و مجانین را غیر قابل جبران (هدر) می‌دانند و برخی دیگر از فقها - به ویژه



طوری که قادر به کنترل ارادی رفتارش نباشد، از مسئولیت مدنی معاف است، البته در حقوق آلمان، اگر عدم کنترل ارادی و آزادانه رفتار، موقت باشد و ناشی از فعل خود شخص باشد، وی به عنوان مقصر شناخته شده و مسئولیت بر او تحمیل می‌گردد. در حقوق بلژیک، اگرچه اصل بر عدم مسئولیت دیوانگان است، اما افراد مجنون هم گاه می‌توانند مسئولیت مبتنی بر انصاف داشته باشند (ماده ۱۳۸۶ ق.م. بلژیک)؛ بر این پایه، دادگاه با در نظر گرفتن شرایطی، از جمله وضعیت مالی طرفین، حکم به جبران عادلانه و منصفانه زیان می‌کند (۱۶).

حقوقدانان بلژیکی از سازوکار پیش‌بینی‌شده در این ماده، حتی برای مسئولیت مبتنی بر انصاف برای سایر گروه‌ها (غیر از بیماران روانی) نیز بهره می‌گیرند، به ویژه در خصوص کودکان خردسال که رشد طبیعی داشته‌اند، اما غیر ممیز بوده و به سن تمیز نرسیده‌اند. در نظام حقوقی ایتالیا، در مورد بیماران روانی، گرایش غالب به معیار شخصی تقصیر است. از این رو شخص غیر ممیز مسئولیت مدنی ندارد، زیرا ارتکاب تقصیر (به مفهوم شخصی) در مورد او منتفی است (ماده ۲۰۴۶ قانون مدنی)؛ در چنین مواردی طبق ماده ۲۰۴۷ ق.م. ایتالیا، سرپرست وی مسئول است، مگر آنکه اثبات شود سرپرست قادر به پیش‌بینی و پیشگیری از ورود زیان نبوده و خسارت عرفاً منتسب به او نیست. در نظام حقوقی ایتالیا هرگاه امکان وصول خسارت از سرپرست نباشد، دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط مالی طرفین، حکم به جبران منصفانه خسارت توسط بیمار روانی کند (۱۷).

در کشورهای تابع نظام کامن‌لا و به ویژه حقوق انگلیس، بیماران و افراد ناتوان مثل سالمندان و مجانین، برخلاف کودکان و نوجوانان چندان مورد لطف دادگاه‌های انگلیسی قرار نمی‌گیرند و تصمیمات دادگاه‌ها نسبت به آن‌ها سخت‌گیرانه‌تر است، ولی در مجموع دادگاه‌ها کاملاً بی‌توجه به اوصاف آن‌ها نیستند تا شبهه مسئولیت محض ایجاد نشود و تحقق تقصیر محرز گردد، لیکن در سال‌های اخیر برخی کشورهای دارای نظام کامن‌لا، اختلال روانی را به عنوان دفاع، در دعوای مسئولیت مدنی پذیرفته‌اند (۱۸).

تقصیر در تصادفات ناشی از وسایل نقلیه موتوری و ریلی معافند، زیرا طبق یک قاعده کلی، کودکانی که هنوز به سن ۱۰ سال نرسیده‌اند قادر به تشخیص خطرات ناشی از وسایل نقلیه در جاده‌ها یا خطرات خاص ترافیک جاده‌ای و ریلی نیستند و در نتیجه نمی‌توانند استاندارد رفتاری متعارف و مخصوص این حوزه را رعایت کنند در نظام حقوقی بلژیک، وجود اهلیت شرط لازم برای تحقق مسئولیت مدنی است، پس هنگامی که کودکان به سن تمیز می‌رسند و قادرند که خوب را از بد تشخیص دهند، می‌توانند مرتکب تقصیر شوند، زیرا ملاک تقصیر این است که کودک بتواند ابعاد رفتاری که انجام می‌دهد و عواقب سوء آن را درک کند (۱۴). قانون مدنی ایتالیا ضابطه خاصی در خصوص اینکه معیار اهلیت برای تحقق مسئولیت مدنی چیست، ارائه نداده است، هرچند که از نظر دکترین (اندیشه‌های حقوقی) و رویه قضایی این کشور، مقصود از اهلیت مسئولیت مدنی، توانایی فرد برای درک ماهیت رفتار و عواقب عملش می‌باشد. از این رو در نظام حقوقی ایتالیا، نقطه شروع برای تعیین مسئول جبران خسارت، بررسی مسأله اهلیت اوست (ماده ۲۰۴۶ ق.م. ایتالیا)، پس اگر دادگاه احراز کرد که فاعل زیان، اهلیت لازم را ندارد، باید بررسی کند که آیا وی تحت سرپرستی شخصی بوده یا خیر؟ تا با حکم به ضمان سرپرست، از زیان‌دیده حمایت شود (ماده ۲۰۴۷ ق.م. ایتالیا) (۱۵)، البته حقوق ایتالیا - همانند حقوق هلند و حقوق جدید فرانسه - به این تمایل دارد که مسئولیت سرپرست را مبتنی بر نظریه مسئولیت محض بداند. بر طبق ماده ۱۶۴-۶ قانون مدنی هلند، کودک پس از رسیدن به سن ۱۴ سالگی، در قبال رفتارهای غیر قانونی خود مسئول است و مشمول قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌باشد (ماده ۱۶۲-۶). عده‌ای معتقدند که سیاست قانونگذار هلندی در این مقرر قابل دفاع و نیز قابل قبول است، زیرا این ماده توسط ماده ۱۶۹-۶ تکمیل شده است، چراکه قانونگذار در ماده اخیر برای والدین در قبال رفتار زیانبار کودک زیر ۱۴ سالشان، مبنای مسئولیت محض را پذیرفته است (ماده ۱۶۵-۶). طبق ماده ۸۲۷ ق.م. آلمان، شخص اگر در وضعیت ناخودآگاهی (عاری از هوش) یا مبتلا به اختلال نارسایی ذهنی باشد، به

۴-۱. نظام‌های حقوقی طرفدار معیار مختلط در مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی: در حقوق انگلیس معیار تشخیص نقض تکلیف مراقبت و احتیاط، نوعی است و اصولاً به اوصاف و ویژگی‌های عامل زیان توجهی نمی‌شود و رفتار او با انسانی متعارف مقایسه می‌گردد، لیکن این قاعده بدون استثنا نمانده است: در خصوص کودکان و نوجوانان، معیار رعایت وظیفه احتیاط و مراقبت، کودک یا نوجوانی معمولی و متعارف در سن عامل زیان است (۲۳).

در حقوق انگلیس، هرچند که اصولاً صغر سن مانع تحقق مسئولیت نیست، اما در زیان‌های ناشی از «تقصیر»، اصولاً رفتار یک کودک با کودک متعارف هم‌سالش مقایسه می‌شود (۲۴)، البته این رویه در حقوق انگلیس همیشگی نیست و تصمیمات واضح اندکی در این باره وجود دارد که این امر به آشفتگی مسأله دامن زده است، در حقوق مسئولیت مدنی ایالات متحده آمریکا نیز اصل اولی این است که فرقی میان صغار و اشخاص کبیر در اعمال ضمانت اجراهای مسئولیت مدنی وجود ندارد، لیکن استثنائاتی بر این اصل وارد شده است: اولاً در خطاهایی که وجود تمیز و رشد و تکامل قوای روانی لازم است، مانند خطای تبانی بر ارتکاب عمل نامشروع و فریب (که همراه با سوءنیت بوده و منجر به اشتباه طرف مقابل گردد)، صغار از مسئولیت معافند؛ ثانیاً در دعوی تقصیر دادگاه‌ها معیار را رفتار متعارف و متناسب با سن، تجربه و توانایی‌های صغیر می‌دانند (۲۵). در نظام حقوقی هلند، طبق ماده ۱۶۴-۶ قانون مدنی آن، کودک پس از رسیدن به سن مسئولیت، یعنی ۱۴ سالگی، در قبال رفتارهای غیر قانونی خود مسئول است و مشمول قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌باشد (ماده ۱۶۲-۶). نکته اساسی اینکه در حقوق هلند، تعریف استاندارد رفتاری مراقبت، با توجه به سن و سال زیان‌زننده قابلیت بازتعریف دارد. همچنین در مواردی که ثبوت مسئولیت نیازمند اطلاع زیان‌زننده از امور یا شرایطی خاص است، میزان آگاهی و دانش (و حتی مهارت او) در تحقق مسئولیت مؤثر است (۲۶).

۴. نظریه برگزیده: اعمال معیار مختلط در مسئولیت مدنی صغار و بیماران روانی: به نظر می‌رسد که در محل بحث، یعنی مسئولیت مدنی صغار و مجانین باید حد وسطی میان طرفداران افراطی نظریه شخصی‌گرا - که اصولاً خواهان انتفای کامل مسئولیت مدنی صغار و مجانین هستند - و طرفداران افراطی نظریه نوعی‌گرایی - که خواهان مسئولیت مدنی کامل و فوری ایشانند - برگزید، بدین معنا که در ارزیابی وضعیت حقوقی شخص، هم خصوصیات شخصی و موقعیت واقعی او را تا حد امکان لحاظ داشت و هم معیارهای نوعی را دخیل دانست (۱۹). از این معیار می‌توان با عناوینی چون «معیار مختلط» یا «موضوعی نسبی» یا «نوعی نسبی» یاد نمود؛ معیاری که به دنبال ترکیب ضابطه‌مند عناصر شخصی و نوعی در مسیر دستیابی به گونه‌ای از کثرت‌گرایی نسبی و منضبط است (۲۰)، بدین‌منظور می‌توان در خصوص کیفیت ارزیابی نحوه عملکرد شخص زیان‌زننده، ابتدا به تعیین ویژگی‌های شخصی مهم و تأثیرگذار در نحوه رفتار وی پرداخت، پس از آن، با طبقه‌بندی کردن و زیرمجموعه‌سازی، افراد را متناسب با ویژگی‌های عمومی و مشترکشان به گروه‌های مختلف تقسیم نمود. آنگاه می‌توانیم بر پایه ویژگی‌های عمومی و مشترک هر طبقه، رفتار معقول و متعارف متناسب با آن را به‌عنوان معیار و استاندارد رفتاری پیش‌بینی کرده و یا برخورد متناسب و متعارف با آن موقعیت خاص را پیش‌بینی نماییم، مثلاً افرادی را که دارای معلولیت نابینایی یا کم‌بینایی هستند، با توجه به نوع معلولیتشان و ویژگی‌های آن عارضه جسمی، تحت گروه‌های مختلفی قرار می‌گیرند، سپس با توجه به آن ویژگی عمومی مشترک، رفتار معقول و متعارف که متناسب با آن ویژگی عمومی است را به عنوان یک استاندارد رفتاری معرفی می‌کنیم (۲۱).

در نتیجه از یکسو به جای اعمال استانداردهای نوعی افراطی که بیش از حد معقول، انتزاعی و مجردند، باید از گستردگی فراوان و خیالی چنین معیارهایی کاسته شود و از سوی دیگر، از آشفتگی زیاد و فقدان انضباط موجود در معیارهای شخصی نیز باید تا حد بسیاری کاسته شود (۲۲).



اوضاع و احوال پرونده اقدام به صدور حکم نماید (۳۱). بر پایه این ماده: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» (۳۲). از ظهور عرفی این ماده برمی آید که قانونگذار، دادرس را موظف کرده که اوضاع و احوال قضیه را در تعیین تکلیف پرونده دخالت دهد. ماده مزبور این امکان را به دادرس می‌دهد که در مسیر تعدیل مسئولیت مدنی صغیر یا مجنون، حسب اوضاع و احوال مؤثر بر وضعیت طرفین پرونده گام بردارد و از این طریق، توازن مطلوبی میان طرفین دعوا برقرار سازد. وانگهی، بر پایه بند دوم ماده ۴ ق.م.م می‌توان امکان تعدیل مسئولیت صغیر یا مجنون را فراهم ساخت؛ بر اساس این ماده: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد، هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان باشد...» (۳۳). این بند، دو شرط غفلت قابل اغماض و عسرت زیان‌زننده را عامل تخفیف در میزان خسارت می‌داند. غفلت در این ماده مرادف با بی‌احتیاطی به معنای عام (تقصیر غیر عمدی) می‌باشد (۳۴). بنابراین ارتکاب تقصیر چون از ناحیه صغیر یا مجنون است، می‌توان آن را عرفاً قابل اغماض تلقی نمود، پس اگر جبران زیان منجر به عسرت و تنگدستی وی شود - که غالباً نیز این‌گونه است - قاضی می‌تواند به تعدیل در میزان خسارت حکم دهد، زیرا «... در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد» (۳۵). در مجموع پیشنهاد می‌شود که تا حد امکان و به میزان متعارف و معقول، در ارزیابی پرونده به امور ذیل توجه گردد: ۱- ارزیابی رفتار مجبور در مقایسه با رفتار متعارف همسانان او؛ ۲- وضعیت مالی طرفین و میزان تأثیر زیان وارده و جبران آن در موقعیت آن‌ها؛ ۳- ویژگی‌های فعل زینبار از حیث آثار مخرب فردی و اجتماعی که به دنبال دارد؛ ۴- درجه و میزان تقصیر (البته در مواردی که تقصیر شرط یا رکن یا مبنای مسئولیت است)؛ ۵- وجود یا فقدان سرپرست (اعم از حقیقی یا حقوقی)؛ ۶- وجود یا فقدان پوشش بیمه مسئولیت مدنی صغیر و مجنون یا سرپرست (اعم از بیمه اختیاری یا اجباری) و...، البته باید توجه

۵. راه حل‌های پیشنهادی برای بهبود حقوق ایران: ماده ۱۲۱۶ ق.م. ایران، در اقدامی بحث‌برانگیز، به صورت مطلق حکم به ضمان صغار و بیماران روانی داده است (۲۷)، در حالی که این مطلب با اصول عدالت ماهوی سازگار نیست. از این رو در راستای عادلانه و منصفانه‌نمودن این ماده، چند راهکار را می‌توان پیشنهاد داد:

۵-۱. پذیرش تقصیر به مفهوم نوعی نسبی: در مواردی که تحقق یا افزایش مسئولیت، مبتنی بر تقصیر عمدی است؛ سخن از مسئولیت مدنی غیر ممیزین بی‌معناست، چه وجود عمد و سوءنیت فرع بر وجود اراده یا قصد در شخص خطاکار می‌باشد. با وجود این، می‌توان گفت: ارتکاب تقصیر عمدی از سوی مجبورین ممیز ممکن است؛ پیشنهاد ما این است که در چنین مواردی، تشخیص عمدی بودن رفتار زینبار با کمک معیار نوعی نسبی (مخلط) انجام پذیرد، زیرا بی‌گمان مؤلفه‌های شخصی، چون میزان تجربه و دانش، مهارت و آگاهی، درجه ادراک نسبت به ماهیت و عواقب رفتار، محدوده سنی، جنسیت، اقتضانات سن و سال (مثل بازیگوشی و کنجکاو)، اقتضانات محیطی که فرد در آن رشد کرده، فرهنگ و امور مؤثری از این قبیل، هر یک می‌توانند در شکل‌گیری عنصر روانی سوءنیت مؤثر باشند (۲۸). در مواردی که مسئولیت مبتنی بر تقصیر غیر عمدی (بی‌احتیاطی) است، می‌توان تفسیری جدیدتر و البته منطبق با معیار مختلط از مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ ق.م. ارائه داد (۲۹). بر این اساس، مقصود از رفتار «متعارف» که صراحتاً در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ به کار رفته، رفتار متعارف شخص با توجه به ویژگی‌ها و وضعیت حقوقی که دارد می‌باشد. به بیانی دیگر، افراد را با توجه به وضعیت و ویژگی‌هایی عمومی و مشترکی که دارند به گروه‌ها و زیرمجموعه‌های مختلف تقسیم کرده و سپس با توجه به وضعیت مؤثرشان، استاندارد و هنجار رفتاری آن گروه را مشخص می‌کنیم (۳۰).

۵-۲. شناسایی نظریه مسئولیت منصفانه: از صدر ماده ۳ ق.م.م برمی‌آید که قانونگذار درصدد بوده تا موقعیت ویژه‌ای را برای دادرس ترسیم کند و به او این امکان را بدهد که حسب

داشت که چون نظریه مسئولیت منصفانه اصولاً خلاف اصل است، همین مطلب ضرورت تفسیر مضیق آن را در محدوده اراده مقنن ایجاب می‌کند (۳۶).

۳-۵. پیشنهاد اصلاح ماده ۷ ق.م.م: یکی دیگر از راه‌های حل‌هایی که می‌تواند از سنگینی مسئولیت صغار و مجانین بکاهد و ما به اختصار به آن اشاره می‌کنیم، اصلاح ماده ۷ ق.م.م و تغییر مبنای مسئولیت سرپرست از تقصیر لازم‌الاثبات است (۳۷). در میان استادان حقوق نیز تلاش‌هایی برای اصلاح ماده ۷ ق.م.م و تغییر مبنای مسئولیت صورت گرفته است، فی‌المثل برخی اساتید گرایش خود به مبنای فرض (اماره) تقصیر را اعلام داشته‌اند و برخی دیگر، مبنای مسئولیت محض را پذیرفته و مسئولیت صغیر غیر ممیز را به طور کلی بر عهده سرپرست او گذارده‌اند. با وجود این، متأسفانه آرای قضایی سعی چندانی در ارائه تفسیری متفاوت و راهگشا از ماده ۷ ق.م.م ننموده‌اند، این در حالی است که در کشوری نظیر فرانسه، مهم‌ترین عامل تحول مبنای مسئولیت سرپرست از تقصیر به فرض تقصیر و سپس مسئولیت محض، رویه قضایی پویای آن کشور بوده است (۳۸).

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که امروزه در مقام نظر و عمل، نظام‌های نوعی‌گرا و شخصی‌گرا تا حدودی به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و دیدگاه‌هایی مطرح شده که سعی در تعدیل معیارهای نوعی و شخصی افراطی به انحای مختلف دارند که یکی از آن‌ها، ظهور معیار مختلط یا نوعی نسبی در حقوق مسئولیت مدنی است. افزون بر آن، نزدیک‌شدن نظام‌های نوعی‌گرا و شخصی‌گرا به یکدیگر، چهره‌های دیگری نیز دارد که نمونه بارز آن، پذیرش نظریه مسئولیت منصفانه (= جبران یا عدم جبران زیان به طور کلی یا جزئی بر اساس عدالت و انصاف) است، زیرا اصولاً در هر دو نظام‌های نوعی‌گرا و شخصی‌گرا استثنائاً به دادرسی این اختیار داده شده که با توجه به متغیرهای پرونده، حکم به تعدیل منصفانه مسئولیت نماید. از دیدگاه ما، ترسیم معیار «مختلط» یا «نوعی نسبی» می‌تواند قواعد حقوقی ناظر به

### مشارکت نویسندگان

علیرضا آبین: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله. زینب حق‌طلب: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## References

1. Al-Isfahani BM (Fazel Handi). *Kashf al-Latham on Qa'aw al-Ahkam*. 1st ed. Qom: Islamic Publication Institute; 2003. Vol.11. [Persian]
2. Emami SH. *Civil Rights*. 16th ed. Tehran: Islamia Publications; 2009. Vol.5. [Persian]
3. Emami SH. *Civil Rights*. 29th ed. Tehran: Islamia Publications; 2018. [Persian]
4. Amiri Qaim-Maqami A. *Law of obligations: Generalities of the law of obligations - legal facts*. 3rd ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2006. Vol.1. [Persian]
5. Badini H. *Philosophy of Civil Responsibility*. 2nd ed. Tehran: Publishing Company; 2012. [Persian]
6. Badini H. A critical attitude towards the standard of a reasonable and conventional person for determining fault in civil liability. *Law Quarterly, University of Tehran*. 2010; 40(1): 73-94. [Persian]
7. Bariklo AR. *Civil Responsibility*. 5th ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2013. [Persian]
8. Bukarzadeh A. *Al-Masmoulieh al-Madaniyyah for short-lived: Draseh al-Maqaraneh*. Algeria: Al-Qastaniyah Society; 2014. [Arabic]
9. Bahrami Ahmadi H. *Daman Gahri (civil responsibility: With a comparative study in jurisprudence of Islamic religions and legal systems)*. 1st ed. Tehran: Imam Sadiq University Press; 2011. [Persian]
10. Al-Bohouti M. *Keshaf al-Qanaa*. Beirut: Dar al-Fikr; 1982. Vol.4. [Arabic]
11. Taghizadeh E, Hashemi SAA. *Civil liability (compulsory guarantee)*. 6th ed. Tehran: Payam Noor University Press; 2014. [Persian]
12. Al-Jaziri A. *Fiqh Ali al-Mahabh al-Araba*. 2nd ed. Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya; 2003. Vol.2. [Arabic]
13. Jafari Langroudi MJ. *Basic in Civil Laws: Al-Madooneh*. 1st ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing House; 2017. [Persian]
14. Jafari Langroudi MJ. *Al-Faraq: General encyclopedia of law*. 2nd ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing House; 2011. Vol.1. [Persian]
15. A Group of Authors. *Fiqh Ahl al-Bayt (a.s.)*. 1st ed. Qom: Institute of Islamic Jurisprudence on Mahb Ahl al-Bayt; No Date. Vol.42. [Persian]
16. Hosseini Shirazi SM. *Fiqh: Argumentative Encyclopaedia of Islamic Fiqh*. Beirut: Darul Uloom; 1988. Vol.50. [Arabic]
17. Hosseini Ameli SMJ. *Miftah al-Karamah fi Sharh al-Qa'aw al-Allamah*. Corrected and Research by Khalsi MB. 1st ed. Qom: Islamic Publishing Institute; 1998. Vol.16. [Persian]
18. Hayati AA. *Civil Responsibility*. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2012. [Persian]
19. Haider A. *Derr al-Hikam: Commentary on Al-Ahkam Magazine*. 1st ed. Kasi Road, Quetta: Soltanieh School; 1997. Vol.2. [Persian]
20. Darabpour M. *Non-contractual responsibilities (payment of damages-restitution of objects and privileges)*. 2nd ed. Tehran: Majd Publishing House; 2019. [Persian]
21. Drodian HA. Responsibility arising from the act of persons who are under the care and protection of another. *Journal of Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University*. 1997; 36: 3-40 [Persian]
22. Rahpik H. *Civil Liability Laws and Reparations*. 3rd ed. Tehran: Khorsandi Publications; 2015. [Persian]
23. Al-Zuhayli W. *Islamic jurisprudence and justice*. Kasi Road, Quetta: Rashidiyah School; 2008. Vol.5. [Persian]
24. Sobhani J. *Al-Aydahat al-Sunniyyah for the rules of jurisprudence*. 1st ed. Qom: Imam Sadiq Institute; 1435. Vol.1. [Persian]
25. Sobhani J. *Akhmat al-Bay fi al-Shari'a al-Islamiyya al-Ghara*. 1st ed. Qom: Imam Sadiq Institute; 2008. Vol.1. [Persian]
26. Siraj MA. *Daman al-Adwan in Islamic jurisprudence: A study of jurisprudence in comparison with the responsibilities of responsibility in the law*. 1st ed. Egypt: Dar al-Thaqafa publishing and al-Tawzi; 1989. [Arabic]
27. Senhour AA. *Al-Wasit fi Sharh al-Qunun al-Madani al-Jadeed*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi; 1995. Vol.1. [Arabic]
28. Shaygan SA. *Civil Rights*. Tehran: Taha Publications; 1996.
29. Shaareyan E, Torabi E. *Law of Obligations: A Comparative Study of the French Law of Obligations Reform Plan with Iranian Law and International Documents*. 1st ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2013. [Persian]
30. Ayman S. *The Hikema Daman al-Falak al-Dhar and its effects in determining the cause of action in*

- Islamic jurisprudence. Mote Magazine. 2002; 7(4). [Persian]
31. Safai SH. Essays on Civil Rights and Comparative Laws. 3rd ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2012. [Persian]
32. Safai SH, Rahimi H. Comparative Civil Liability. 1st ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2017. [Persian]
33. Safaei SH, Rahimi H. Civil liability (obligations outside the contract). 13th ed. Tehran: Samit Publishing House; 2019. [Persian]
34. Stone FF. Fundamental Law Institutions of the United States of America. Translated by Safai SH. 2nd ed. Tehran: Jangal-Javadane Publications; 2018.
35. Safaei SH, Afzali Mehr M. Liability of Supervisors for the Illegal Acts of Minors An Analytic and Comparative Essay While according. Legal Research Quarterly. 2014; 17(67): 1-34. [Persian]
36. Wasfī Ashour Abuzejd. Theory of algebra in Islamic jurisprudence: A study of the origin and application. 1st ed. Egypt: Dar al-Islam Publishing House; 2007. [Arabic]
37. Katouzian N. Obligations outside the contract: Special and mixed responsibilities. 8th ed. Tehran: Tehran University Press; 2017. Vol.2. [Persian]
38. Muradzadeh H. Rights and Duties of Persons with Disabilities in the Civil Liability System. 1st ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2019. [Persian]